بسمه تعالی

# ایمان به خدا: تنها بیوکد و بارکد هویتی انسان در نزد خدا

**نادر حسن زاده**

تاریخ نشر۱۴۰۳/۱۰/۱۲. تاریخ بازبینی دوم ۱۴۰۳/۱۰/۲۷

hasanzadehr@yahoo.com

هر کس در این دنیا یک کد هویتی منحصر به فرد خود دارد که بواسطه آن از دیگر افراد جهان به آسانی قابل تشخیص است. در چند دهه گذشته کد شناسنامه و امروز کد ملی و در سطح بین المللی شماره پاسپورت از شناخته ترین کارت های هویتی هر فرد است.

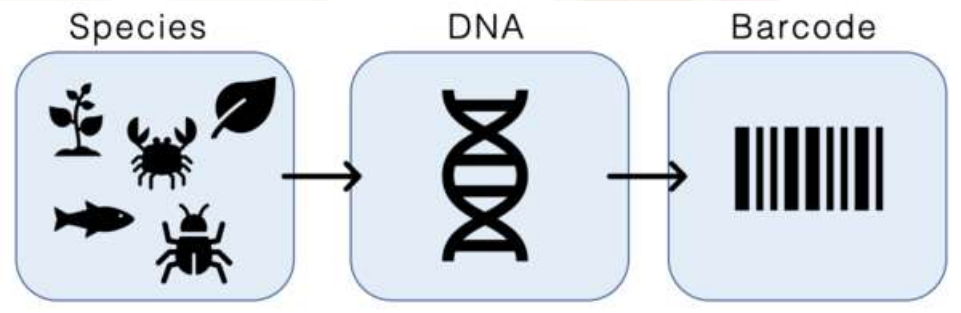
کدهائی هم هستند که اغلب موقتی است. بعضا چند دقیقه ائی است.

**با پیشرفت علم، کدهای بیشتری معرفی شده اند که به کدهای خلقت نزدیک تر هستند.**

بطورمثال، بارکدهای (Barcode) مختلفی بیولوژیکی/ژنتیکی/زیست مولکولی وجود دارند که به کارشناسان عرصه های مختلف چون پزشکی قانونی کمک می کند افراد مجهول الهویه را با مقایسه صفات/توالیهای دی‌ان‌ای (DNA) آنها با پروفایل‌های موجود در بانک های اطلاعاتی، بسهولت و با دقت تمام شناسائی کنند.

منظور از پروفایل‌های ژنی، ژن یا ژنهای خاص همه آحاد جامعه است که قبلا تهیه و در بانک اطلاعاتی ذخیره شده است و چون هر فرد از نظر صفات بیولوژیکی و ژنتیکی اثر انگشت منحصر بفرد خود را دارد، تشخیص این افراد در هر وضعیتی با این نقوش ژنتیکی امکان پذیر است.

بطورمثال اگر پیکر فردی در اثر سانحه ائی قابل شناسایی نباشد با استفاده از یک تار مو یا برداشتن چند میلی‌متر از بافت بدن و یا اندکی از مایعات بیولوژیکی بدن و مقایسه آن با پروفایلها/بارکدهای ژنتیکی ذخیره شده در بانک های اطلاعاتی قابل تشخیص است.




شمای کلی نحوه تهیه بارکدهای ژنتیکی از ژن یا ژنوم (DNA) موجودات مختلف از جمله انسان حشرات، ماهی، برگ درختان و غیره (ویکی پدیا، ۲۰۲۴).

داستان چهار مرغ یا چار مرغ حضرت ابراهیم و ارتباط آن با علوم جدید زیست فنآوری/ بازساختی مولکولی:

در داستان چهار مرغ ابراهیم  خداوند به حضرت ابراهیم (ع) دستور داد چهار پرنده را ذبح و گوشت و پوست آنها را با هم مخلوط کند و بر فراز چند کوه قرار بدهد. سپس آن‌ها را فرا بخواند. آنها همه به صورت موجود کامل زنده شدند و به سوی او آمدند.

وَ إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتى قالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلى وَ لكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْياً وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (سوره بقره/آیه ۲۶۰):

و (بیاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد: چرا، ولی برای آنکه قلبم آرامش یابد. (خداوند) فرمود: چهار پرنده مختلف را برگیر و آنها را نزد خود جمع و قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز) سپس بر هر کوهی قسمتی از آنها را قرار ده، آنگاه پرندگان را بخوان، به سرعت بسوی تو بیایند و بدان که خداوند توانای حکیم است.

**در این داستان طبق روشهای مدرن زیست فناوری، نقش** سلولهای بنیادی (Stem cell) **تعیین کننده بوده است.**

در واقع، سلولهای بنیادی موجود در لاشه پرندگان موجب شد که در مدت معلوم این سلولها تکثیر یافته و تبدیل به حیوانات کامل بشوند.

سلول های بنیادی، سلول‌هایی هستند که قابلیت تکثیر و تمایز به انواع سلول‌های دیگر در بدن را دارند. این سلول‌ها می‌توانند به صورت خودبخودی (Self Renewing) تکثیر شوند و قادرند به سلول‌های مختلفی تبدیل شوند و در فرآیندهای ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده موثر باشند.

بارکد گذاری سلولی:

اخیرا روش نوین دیگری معرفی شده است که در کدگذاری هویتی منحصر بفرد افراد به مراتب از سلولهای بنیادی حساس تر و دقیق تر است. نام این روش، بارکد گذاری سلولی (Cellular barcoding) و مخفف آن بارکد سلولی است.

بارکد سلولی شامل برچسب گذاری روی تک تک سلول ها و ژنهای خاص داخل هر سلول که در ره فردی منحصر بفرد است.

این اطلاعات ژنتیکی (DNA) کمک می کند برای بازیابی اطلاعات تک سلولی افراد و نیز شناسایی قرائت‌هایی که از یک سلول کامل نشات می‌گیرند.

با این روش اطلاعات هر سلول قابل رصد است. نحوه و روند تکثیر آن مشخص است. زیرا هر سلول، هویت خود را دارد و اگر از نوع بنیادی باشد، قابلیت تکثیر به بافت (عضو) را دارد. و اگر سرطانی باشد دیگر سلولها را هم درگیر سرطان می کند و فرد مبتلا به سرطان متوجه تمور یا سرطان خود می شود.

بنابراین، سلولها در موجودات پرسلولی در عین حالیکه مستقل عمل می کنند اما وابسته به سلولهای مجاور هم هستند و از یک منبع واحد دستورات را می گیرند. برعکس، در موجودات تک سلولی چون باکتریها، هر سلول حیات مستقل خود را دارد اما برای کار مشترک نیازمند همکاری هم هستند. این همکاری مثلا برای ایجاد بیماری در انسان و گیاه و دام تحت تاثیر پدیده ائی بنام حدنصاب حسگری (quorum sensing) است که بواسطه آن، سلولهای منفرد یک گونه خاص، با صدا کردن هم دور یک میز! (یک مکان خاص) شروع به بیماری در میزبان خود می کنند.

در موجودات پرسلولی، هر بافت از میلیاردها سلول مشابه تشکیل شده است. بافت های مختلف با هم یک عضو بدن را تشکیل می دهند. سلول ها/بافت های اعضای بدن با هم در حد سلولی در تعامل مستقیم هستند. سعدی علی الرحمه از قول رسول گرامی (ص) این تعامل را اینگونه توصیف می کند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چون عضوی به درد آورد روزگار/دگر عضوها را نماند قرار

پس همه سلولها چه مستقل و چه وابسته برای هر کاری نیازمند همکاری و همدلی هستند. مثل هر عضو جامعه که با هم و با رای مشترک هم یا یک جامعه را می سازند و یا تباه می سازنند.

در داستان چهار مرغ ابراهیم، اگر لاشه های مرغان تبدیل به مرغان کامل شدند و به سوی آن حضرت پرواز کردند به این سبب بوده است که هر سلولی اطلاعات هویتی (بارکد) خود و اطلاعات سلولهای مجاور را به یاد داشت و لذا به سرعت و دقت تمام و طبق نقشه معین همدیگر را پیدا کردند و تشکیل یک موجود کامل دادند.

**خداوند خالق متعال با ذکر این نوع قصص هم قدرت آفریدگاری خود را به رخ انسان هوشمند می کشد،**

**هم از رموز عالیه ساخت یک سلول بی نظیر حضرت آدم (ع) رونمائی می کند و هم دانشمندان هر عصر و نسل را تشویق می کند با این نقشه راه، بفکر رمز گشائی از این پدیده های شگفت آور خلقت خود باشند و از روی جهالت، منکر خدا و معاد نباشند.**

اما چه باید کرد که تعدادی منکر این معجزات شگفت هستند و آن را یک داستان تمثیلی قلمداد می کنند و تعدادی هم گرفتار اسامی و نوع این چهار پرنده هستند مثلا می گویند این چهار پرنده طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ بودند! ولی نمی گویند خروس چگونه از آن بالا به پایین پرید و خود را به حضرت ابراهیم رساند! و نظرات دیگر که ناشی از جهل است تا علم.

**قرآن کتاب علم است و مفسرین از علم روز غافل!**

بارکد کتب آسمانی و غیر آن:

این روزها ثابت می کنند کتب آسمانی دارای بارکد مخصوص به خود هستند. بطورمثال برای انجیل و قرآن بارکدهای زیر را اعلام می کنند.

The barcode for the King James Bible is 978-1432102418

The barcode for the Quran 978-2491704018




بارکد مخصوص کتب آسمانی و کتاب فلسفی چین باستان بنام تائو ت چینگ (Tao Te Ching).

حتی برای کشف کدهای کتاب انجیل سایت های متعددی را معرفی می کنند. از این مهمتر مدعی هستند که **انجیل دارای کدهای پنهانی(Hidden codes) هم هست**. بیشتر این کدها با مطالعه حروف/اعداد تکراری در آیات انجیل بدست آمده است.

مثلا می گویند: اعداد ۷، ۱۲ و ۴۰ مورد علاقه خداوند است. بطور مثال در آیات مختلف، خداوند از عدد ۴۰ چند استفاده کرده است:

۱. چهل شبانه روز باران بارید تا در روزگار نوح، زمین طغیان کرد.

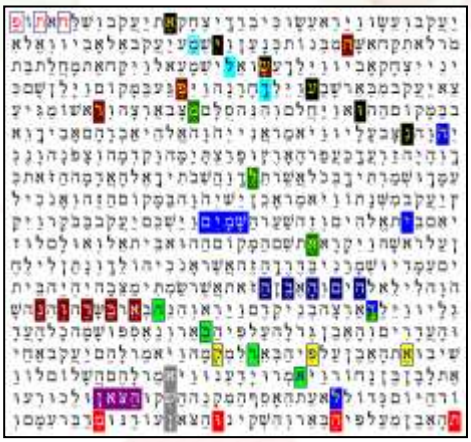
۲. جالوت غول پیکر ارتش اسرائیل را به مدت ۴۰ روز به چالش کشید.

۳. موسی (ع) جاسوسان را به سرزمین موعود فرستاد تا ۴۰ روز جاسوسی کنند.

۴. عیسی (ع) به صرافت افتاد و ۴۰ شبانه روز روزه گرفت.

۵. عیسی (ع) پس از رستاخیز به مدت ۴۰ روز بر شاگردان و دیگر پیروان خود ظاهر شد.

در مورد حروف تکراری متن انجیل می گویند: کدهای کتاب مقدس در "انجیل مسیحی" نیست، بلکه در متون مقدس عبری، و به ویژه تورات (که ۵ کتاب اول کتاب مقدس برای مسیحیان است) وجود دارد. یعنی انجیل مسیحی فاقد بارکد الهی است. **زیرا ترجمه به زبان دیگر شده است!** اما در حروف عبری این آیات در یک آرایه خاص مرتب شده اند و جستجوی کلمات به صورت افقی، عمودی یا مورب برای یافتن کلمات تکراری اماکن پذیر است. چنین بنظر می رسد کدهای کتاب مقدس شبه علم است.



اعداد تکرار شده ۷، ۱۲ و ۴۰ در کتاب تورات.

درباره تحقیقات انجام شده روی اعجاز عددی قرآن به مقاله "قرآن جعبه نور(Lux light box) نهاد اسلام. قسمت دوم"، ۱۳۹۵ در همین سایت مراجعه شود.

کد انسان ها در نزد خدا بر چه مبنا و روال و قراری است؟

آیا مثل کدهای موجود، ترکیبی از حروف و اعداد است؟ یا شبیه سیستم فرا بارکد ژنتیکی است که هنوز انسان به کشف آن نائل نشده است. اما ماهیتش:

۱. تشخیص آنلاین

۲. زنده کردن آنلاین

۳. اعتراف گرفتن آنلاین بدون نیاز به عضوی بنام زبان (يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَيْدِيهِمْ وَ اَرْجُلُهُمْ بِما كَانُوا يَعْمَلُونَ- آن روز که زبانها و دستها و پاهایشان نسبت به اعمالی که مرتکب شدند بر ضد آنها گواهی می دهد (نور/۲۴) و آیه دیگر: الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْديهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ: امروز بر دهانشان امروز بر دهانشان مُهر می نهیم، و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند (یس/۶۵).

با این مقدمه طولانی باید اذعان کرد، سیستم بارکد خدا (The God Code) در دنیا و آخرت صرفا ثبت و ضبط اعمال انسان و جوابگوئی در برابر اعمال خود در هر دو جهان نیست. بلکه مسئولیت هر فرد در برابر اعمال نیک و بد خود در هر ثانیه و کمتر از آن است.

**مجموعه اعمال است که در یک عمر تبدیل به یک "نامه اعمال" منحصر بفرد انسان می شود.**

و این را تک تک سلولهای هر انسان بعنوان اثر انگشت حفظ می کنند و قرآن از حافظین آن، بنام دو فرشته کاتب بنامهای رقیب و عتید (سوره ق/آیه ۱۸) یاد می کند. شبیه آنچه در پدیده "حدنصاب حسگری" در بالا اشاره شد.

**به اینجا که انسان رسید باید مرتب به خود بگوید:**

خوشا به حال کسانی که در زندگی هرچه لذت بردند از نوع لذتهای پاک بوده است. هرچه خواب دیدند خوابهای خوش بود و هرچه ثواب کردند راه صواب رفتند. **براستی سلولهای این افراد دیدن دارد.** حضور آن ها در قیامت

نورافشانی دارد. دلواپس هیچ چیز و هیچکس نیستند و در صحرای محشر دنبال سوراخ دعا نمی گردند. یک راست بفرما می شنوند:

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ- و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن به رویشان گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآیید و جاودانه بمانید (سوره زمر/آیه ۷۳).

با این توصیف، بارکدهای خدادادی افراد صرفا برای زنده کردن مردگان نیست و یا احیای اطلاعات منحصر بفرد سلولی هر فرد، بلکه برای رصد و ثبت لحظه به لحظه اطلاعات هر فرد، اعمال خوب و بد هر فرد، و پاداش لحظه به لحظه اعمال هر فرد است.

اگر میلیونها سال از عمر انسان ها هم گذشته باشد باز این روند تکاملی انسان با نور خدا قابل بازخوانی در حد اتم (الکترونها پروتون ها و نوترونها) و زیر اتم (ذرات بنیادین: ریز ذراتی که ساختار داخلی ندارد و دارای هندسه نقطه‌ای هستند مثل کوارک ها، هادرون‌ها و باریون‌ها) است (مراجعه شود به مقاله "جهان کوانتوم: ورود به یکی دیگر از عرصه های علمی خدا"، ۱۴۰۰ در همین سایت) و **آیه درخشان خدا در آن روزهائی که علم از تعریف دقیق "ذره" ناتوان بود:**

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها. وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها. وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها. يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها. بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحى لَها. يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ- هنگامی که زمین با زلزله مخصوص خود لرزانده شود. و زمین بارهایش را بیرون افکند. آدمی گوید آن را چه شده است. در آن روز زمین خبرهایش را باز گوید. مسلما از آن روست که پروردگارت به آن الهام کرده است. آن روز مردم دسته دسته بازگردند تا کارهایشان به آنها نشان داده شود. پس هر که به اندازه ذره ای نیکی کند آن را ببیند. و هر که به اندازه ذره ای بدی کند آن را ببیند (سوره زالزال).

**آیا انسان در طول عمر و حتی روزهای آخر عمر به این "ذره ذره جمع شدنها وانگهی دریا شدنها" متعهد مانده است یا نه؟ آیا با جبران مالی و معنوی خطاهای گذشته خود توانسته سلولهای خام حدود ۳۷,۲ تریلیون خود را از روز تکلیف به خوبی صیقل بدهد و در آخر عمر به مقام انسان کامل برسد یا نه؟**

و یا خدای ناکرده در دام ژنهای پلید خود گرفتار آمده و آنها را مثل سلولهای سرطانی رشد بیحد داده و تبدیل به اصحاب شیطان شده است (مراجعه شود به مقاله"سلول شناسی-انسان شناسی-خداشناسی"، ۱۳۹۵ و "ساعت قیامت-ساحت قیامت: جهنم یا بهشت؟"، ۱۳۹۵ در همین سایت).

"ایمان کد/خدا کد/ تسلیم کد/": تنها بیوکد، بارکد یا هر کد هویتی دیگری که از روز ازل تا به ابد با انسان است:

بنظر می رسد ملاک تشخیص هویت در نزد خدا، ایمان است. ایمان به خدا، فرشتگان، پیامبران، کتب آسمانی، روز آخرت و بازگشت به سوی خدا.

ایمان از ماده امن است. به معنای تسلیم توام با اطمینان خاطر در قلب و رفتار و کردار پنهان و آشکار خود. مشتقات امن نزدیک به ۹۰۰ بار در قرآن به کار رفته است.

در نظر مفسرین محل ایمان قلب است، درونی‌ترین قسمت ادراک انسان، در حالی که محل اسلام (تسلیم شدن صرف) عقل است. این تعریف و این تفسیر نیازمند توصیف دقیق تر در"حد سلولی" دارد.

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ - بادیه نشینان گفتند: ما ایمان آورده‌ایم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است (سوره حجرات/ آیه ۱۴).

**ایمان و مومنی به انتخاب فرد است و نه انتصاب خدا. مگر در مورد انبیا و اوصیا. با این نگاه، هدایت اجباری عموم مردم فاقد ارزش است. زیرا کد ایمان از فردی به فرد دیگر متفاوت است و روز قیامت هم مبنای ارزش گذاری "کد ایمان" هر فرد است که نه صرفا موروثی بلکه اکتسابی است.**

**مصداق بارز آن این شعر معروف: گیرم که پدر بود فاضل/ از فضل پدر تو را چه حاصل**

و آیه مرتبط با این موضوع:

وَ إِنْ كانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْراضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقاً فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِي السَّماءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدى فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْجاهِلِينَ-(خطاب به پیامبر): و اگر روی گرداندن آنان [از قرآن و

و نبوّت] بر تو سنگین و دشوار است، اگر بتوانی نقبی در زمین، یا نردبانی برای راه یافتن در آسمان بجویی تا [از عمق زمین و پهنه آسمان] معجزه ای دیگر [غیر قرآن] برای آنان بیاوری [این کار را انجام ده ولی آنها ایمان نمی آورند]؛ و اگر خدا می خواست همه آنان را [به جبر و زور] به راه هدایت گرد می آورد؛ [ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است] پس هرگز [نسبت به روحیات و اوصاف کافران لجوج که خواستار هدایت نیستند] از بی خبران مباش (سوره انعام/ آیه ۳۵).

**پس افراد بر مبنای درجه ایمان و اعتقاد به دین خود به گروه های مختلف تقسیم می شوند و از دست پیامبران، کاری جز تبلیغ دین خود کار دیگری بر نمی آید. زیرا که این انتخاب، فردی است و نه جمعی.**

**بدین ترتیب، در اسلام هم درجات ایمان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. مبنا مسلمانی است اما ارزش گذاری ایمان است و تفاوت این دو از زمین تا آسمان است.**

لذا از مسلمان معتقد به ۵ آیه داریم تا ۵۰ تا ۱۰۰ تا ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ و بالاخره تا ۶۲۳۶ آیه که کل آیات قرآن است. طبیعی است تک تک ۲۳۶ آیه از کل ۶۲۳۶ آیه قرآن بسیار تعیین کننده هستند. همچنانکه برای یک وزنه بردار، گرم به گرم وزنه های آخر تعیین کننده هستند. ضمن اینکه مومنین خالص و مخلص خدا علاوه بر ایمان کامل به ۶۲۳۶ آیه قرآن، از خدای خود آیات/الهامات منحصر بفرد خود را هم طلب می کنند! بدون اینکه از پیامبران خود توقع زدن چاه در زمین یا گذاشتن نردبان به سوی آسمان ها باشد.

برای مشاهده تابلوی ایمان از نمای نزدیک (close-up)، از نصف مومن تا تمام مومن به مقاله نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)، ۱۳۹۵ در همین سایت مراجعه شود.

کد هویتی یک مومن:

روز خوش، نورش خوش است

بوی نان، داغش خوش است

والقلم، گامش خوش است

خوشترین راهش خوش است

هرکه رفت بارش خوش است

وقت پروازش خوش است

هر که ماند یارش خوش است

این زمین جایش خوش است

هر زمان نایش خوش است

ماجرا موی اش خوش است

اندرون شورش خوش است

نام مجنونش خوش است

مهِ مه فامش خوش است

مرغ قفقازش خوش است

سوی ایمانش خوش است

از ملک بالش خوش است

از ازل یادش خوش است

هر دو با ما هم خوش است

وقت پروازش خوش است

کد هویتی یک آدم کمتر مومن:

او که از بیم اش خوش است

در نمودارش خوش است

از فروضات هم خوش است

نیمه پنهانش خوش است

نیمه عریانش خوش است

گاهی از علمش خوش است

گاهی از جهلش خوش است

وقت معلومش خوش است

وضع مطلوبش خوش است

کم ستم دارد خوش است

کم اثر دارد خوش است

اصلح آدم ببیند او خوش است

کد هویتی آدم بد مومن:

او که باشد دل خوش است

خوش ندارد دل خوش است

سرد ایمان است خوش است

مرد بیمار است خوش است

او گرفتار غم است

کشته در ذاتش خوش است

دیده در تابش خوش است

تحت درمان است خوش است

کم شمارد کم خوش است

چون خوش است او ناخوش است

کد هویتی یک ضد مومن

این یکی دیگر خوش است

چنگ و دندانش خوش است

خاک زندانش خوش است

ظلم و بیدادش خوش است

رنگ رخسارش خوش است

بمب هر جورش خوش است

مرگ مهتابش خوش است

ضاد هر ذاتش خوش است (والضالین)

اردلان دامش خوش است

پهلوان نامش خوش است

او فلان جایش خوش است

پوست تن سوزد خوش است

چشم تیزابش خوش است

دار دنیایش خوش است

ریش افکارش خوش است

جیب دلاکش خوش است

اورشلیم روزش خوش است

این یکی گورش خوش است

**غزه در خونش خوش است**

پشه در گوشش خوش است

نان ندادیم هم خوش است

هرچه ما کشتیم خوش است

مرده در خونش خوش است

زهر مار زارش خوش است

طبل مرگ دائم خوش است

مرگ بد از دم خوش است

